کوتاه خارجی

## مرد عنکبوتی با رکوردشکنی از راه رسید

«اسپایدرمن: روز کاملاً جدید» در حال وارد کردن نام خود به فهرست تاریخی فروش گیشه سینماها است. به گزارش مهر به نقل از ورایتی، «مرد



عنکبوتی: روز کاملاً جدید» با فروشی ۷۲ میلیون دلاری از پیش‌نمایش‌هایش در پنجشنبه شب، رکورد گیشه را شکست و «انتقام‌جویان: پایان بازی» را پشت سر گذاشت. جدیدترین فیلم عنکبوتیِ تام هالند با ۷۲ میلیون دلار فروش از پیش‌نمایش خود که شامل نمایش‌های زودهنگام چهارشنبه هم می‌شود، رکورددار شد و بیشترین فروش در پیش‌نمایش یک فیلم در میان همه فیلم‌های تاریخ را به نام خود ثبت کرد. رکورد قبلی متعلق به «انتقام‌جویان: پایان بازی» بود که در پیش‌نمایش‌های پنجشنبه ۶۰ میلیون دلار فروخت و در نهایت بزرگترین رقم فروش اولین آخر هفته یعنی افتتاحیه یک فیلم در تمام دوران را نیز به نام خود کرد.

برای مقایسه این ۲ فیلم ابرقهرمانی تاریخی، «انتقام‌جویان: پایان بازی» با ۳۵۷ میلیون دلار فروش داخلی و ۱.۲ میلیارد دلار فروش جهانی، رکورد بیشترین فروش آخر هفته افتتاحیه را شکست. «روز کاملاً جدید» سونی و مارول به نظر می‌رسد در آخر هفته افتتاحیه خود بین ۲۶۰ تا ۲۸۰ میلیون دلار بفروشد و عنوان دومین فروش بزرگ تمام دوران تاریخ را به نام خود ثبت کند و پس از «پایان بازی» و بالاتر از «مرد عنکبوتی: راهی به خانه نیست» جا بگیرد. برخی‌ها البته پیش‌بینی می‌کنند فروش افتتاحیه «روز کاملاً جدید» به بالای ۳۰۰ میلیون دلار در داخل آمریکا برسد، اما سونی محتاطانه عمل می‌کند و شروع محافظه‌کارانه‌تری را در نظر گرفته و فروشی بین ۱۹۰ تا ۱۹۵ میلیون دلار را پیش‌بینی کرده است. در تایخ سینما تنها ۹ فیلم با فروش افتتاحیه بیش از ۲۰۰ میلیون دلار کارشان را شروع کرده‌اند که «انتقام‌جویان: پایان بازی» با بیش از ۳۰۰ میلیون دلار از جمله آنهاست. در سطح بین‌المللی برای «مرد عنکبوتی: روز کاملاً جدید» فروشی بین ۲۷۵ تا ۳۰۰ میلیون دلار در روزهای افتتاحیه پیش‌بینی شده است. داستان «روز کاملاً جدید» چهار سال پس از پایان «راهی به خانه نیست» آغاز می‌شود و زمانی است که یک طلسم موجب شده تا همه دنیا فراموش کنند پیتر پارکر مرد عنکبوتی است. قهرمانی که هالند نقشش را بازی می‌کند دیگر کاملا تنهاست و حتی دوست دخترش ام‌جی (زندایا) یا بهترین دوستش ند (جیکوب باتالون) را در کنارش ندارد و با یک شخصیت شرور مرموز جدید با بازی سادی سینک روبه‌رو می‌شود.

## مشکلات بزرگ سریع و خشمگین ۱۱

«سریع و خشمگین ۱۱» برای ساخت بیش از حد هزینه می‌برد و سعی دارد برخی مشکلات بزرگ را که سر راهش قرار دارد، حل کند. به گزارش مهر، ورلد آف ریل نوشت: در حالی که اکران قسمت ۱۱ و آخر مجموعه «سریع و خشمگین» برای سال ۲۰۲۸ برنامه‌ریزی شده‌است، اما هنوز روشن نیست که آن زمان هم قطعی باشد. سه هفته پیش، وین دیزل در رسانه‌های اجتماعی گفت «تا ابد سریع»، یازدهمین و آخرین فیلم از مجموعه «سریع و خشمگین»، در حال فیلمبرداری است. این خبر بلافاصله با تیترهایی که شروع تولید را اعلام می‌کردند، منتشر شد، هرچند باورکردنی نبود و اکنون روشن شده که خبر درستی نبوده‌است.

دیزل برای انتشار چنین اخباری شهرت دارد. او سال ۲۰۲۴ همه را متقاعد کرد که «ریدیک ٤» در حال فیلمبرداری است، در حالی که هیچ بازیگری تعیین نشده و تقریباً ۲ سال است که این پروژه اصلا جلو نرفته است و حتی خیلی‌ها فکر می‌کنند تولید «ریدیک ٤» به پایان رسیده است. صرف نظر از چنین سابقه‌ای، اکنون روشن شده که خبر دیزل درباره شروع فیلمبرداری «سریع ۱۱» نیز جعلی بود. با وجود اینکه یونیورسال تاریخ اکران «تا ابد سریع» را ۱۷ مارس ۲۰۲۸ (۲۷ اسفند ۱٤۰٦ ) اعلام کرده، ظاهراً مشکلات زیادی در پشت صحنه وجود دارد و بیشتر به نظر می‌رسد این اقدام دیزل در شبکه‌های اجتماعی، تلاشی برای تحت فشار قرار دادن یونیورسال بود تا کوتاه بیاید و با بودجه هنگفتی که برای این فیلم در نظر گرفته شده، موافقت کند. «سریع ایکس» که سال ۲۰۲۳ اکران شد با یک پایان واقعاً نفس‌گیر به پایان رسید؛ جایی که به نظر می‌رسید دومینیک تورتو (دیزل) و پسر کوچکش، برایان، پس از انفجار مواد منفجره توسط دانته ریس (جیسون موموآ)، در یک سد در حال فروپاشی گیر افتاده‌اند. قرار بود فیلم بعدی درست از همان جایی که متوقف شده بود، ادامه پیدا کند، اما چند سال است به تعویق افتاده است. به این ترتیب یک مشکل بزرگ سر راه «تا ابد سریع» قرار دارد که قرار است سال ۲۰۲۸ اکران شود: برایان بزرگ شده، در حالی که داستان باید از ادامه آن سکانس شروع شود و حالا تنها راه حل این است که یا فیلمسازان این اختلاف را نادیده بگیرند یا کلا قید پایان‌بندی نفس‌گیر را بزنند و ادامه داستان را از جایی دیگر شروع کنند که این موجب می‌شود «ادامه دارد» در پایان‌بندی فیلم بی‌معنی به نظر برسد.

# سینمای ایران این روزها از روزهای جنگ هم کمتر می‌فروشد

در شرایطی که عبور فروش دو فیلم سینمایی «زنده‌شور» و «استخر» از ۵۰ میلیارد تومان (از شروع اکران در تاریخ ۲٤ تیر ۱٤۰۵ تاکنون) خود را در قالب تیترهای خوشحال‌کننده‌ای برای سینمای ایران چون «امید تازه گیشه» و «رکورد جدید فروش» نشان می‌دهد مقایسه آمار خبر از اتفاقی دیگر دارد. سینمای ایران در فاصله ۲۳ خرداد تا ۲۳ تیر ۱٤۰٤ در شرایطی که جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشته بود، ۷٦ میلیارد تومان فروخت. در حالی که فروش ۲۳ خرداد تا ۲۳ تیر در سال ۱٤۰۵، ۲۷ میلیارد تومان بوده است.

به گزارش خبرآنلاین، شاید فروش پنجاه میلیارد تومانی در روزهای اخیر بار دیگر از «جان گرفتن گیشه» سخن می‌گوید؛ تیترهایی که در نگاه اول امیدوارکننده‌اند، اما اگر کمی از هیجان رکوردهای مقطعی فاصله بگیریم و آمار فروش سینمای ایران را در بازه‌های زمانی مشابه سه سال گذشته کنار هم بگذاریم، تصویر دیگری آشکار می‌شود؛ تصویری که نشان می‌دهد سینما بیش از آنکه از کیفیت فیلم‌ها یا برنامه‌ریزی اکران تأثیر بگیرد، از احساس امنیت جامعه اثر می‌پذیرد. جنگ، تهدید، مذاکره، آتش‌بس، احتمال آغاز دوباره درگیری و فضای نامطمئن سیاسی، تنها بازار ارز یا اقتصاد را دستخوش تغییر نمی‌کنند؛ نخستین قربانی این وضعیت، «مصرف فرهنگی» است. سینما، تئاتر، کنسرت و حتی خرید کتاب، همگی کالاهایی هستند که مردم در شرایط اضطراب، پیش از هر چیز از سبد هزینه‌های خود حذف می‌کنند.

آمار فروش سینمای ایران این واقعیت را به‌روشنی نشان می‌دهد. اگر بازه ۲۳ خرداد تا ۲۳ تیر را که هم‌زمان با جنگ ۱۲ روزه و پیامدهای آن بوده، با سال‌های قبل مقایسه کنیم، نتایج قابل تأمل است. سینمای ایران در این بازه در سال ۱٤۰۵ تنها ۲۷ میلیارد تومان فروش داشته؛ در حالی که همین بازه در سال ۱٤۰٤ حدود ۷٦ میلیارد تومان، در سال ۱٤۰۳ بیش از ۱۷۲ میلیارد تومان و در سال ۱٤۰۲ حدود ۱۰٤ میلیارد تومان فروش ثبت کرده است. کاهش فروش فقط به معنای افت درآمد نیست؛ مخاطبان نیز سقوطی کم‌سابقه را تجربه کرده‌اند. تعداد تماشاگران از نزدیک سه میلیون نفر در



سال ۱٤۰۳ به حدود ۲۲۰ هزار نفر در سال ۱٤۰۵ رسیده است؛ یعنی افتی بیش از ۹۰ درصدی. تعداد سانس‌های برگزارشده نیز تقریباً به یک‌چهارم رسیده است. این یعنی چرخه نمایش نیز هم‌زمان کوچک‌تر شده است. اما شاید مهم‌ترین نکته این باشد که حتی پایان جنگ نیز نتوانسته بلافاصله رفتار فرهنگی جامعه را به وضعیت قبل بازگرداند. برخلاف تصور رایج، اثر جنگ فقط در روزهای درگیری خلاصه نمی‌شود؛ اضطراب، نااطمینانی و نگرانی نسبت به آینده، هفته‌ها و حتی ماه‌ها بر تصمیم‌های روزمره مردم سایه می‌اندازد.

جنگی که آمریکا و اسرائیل از روز ۹ اسفند ۱٤۰٤ علیه ایران آغاز کردند و ازجمله اتفاقاتش، آتش‌بسی بود که روز ۱۹ فروردین ۱٤۰۵ رسانه‌ای شد نیز اثرات عجیبی بر فروش سینمای ایران داشت. برای رسیدن به نتیجه‌ای از مقایسه آمار فروش مقاطع زمانی یکسان، این‌بار آغاز مقطع زمانی مثالی؛ ۹ اسفند و پایان آن؛ ۳۱ فروردین در نظر گرفته شد. ازجمله اعداد به دست آمده، تفاوت فاحش فروش از ۹ اسفند ۱٤۰٤ تا ۳۱ فروردین ۱٤۰۵ با فروش از ۹ اسفند ۱٤۰۳ تا ۳۱ فروردین ۱٤۰٤ است به‌گونه‌ای که سینمای ایران از ۰۹/۱۲/۱٤۰٤ تا ۳۱/۰۱/۱٤۰۵، ۲۵ میلیارد تومان فروخته و از ۰۹/۱۲/۱٤۰۳ تا ۳۱/۰۱/۱٤۰٤، ۳۷۲ میلیارد تومان! و یادآور روزهایی که فروش‌های میلیاردی این تصور را برای برخی ایجاد کرده بود که با توجه به آن‌چه «افزایش ظرفیت ناوگان سینمایی کشور و برنامه‌ریزی خوب در زمینه مهندسی اکران» می‌نامیدند تعداد مخاطب در سال ۱٤۰٤ با شکاندن رکورد سال ۱۳۷٦ به ٤۰ میلیون نفر می‌رسد.

این اختلاف را نمی‌توان صرفاً با کیفیت فیلم‌های روی پرده توضیح داد. اگر مسئله فقط فیلم‌ها بود، چنین افتی در تعداد مخاطبان، فروش و حتی تعداد سانس‌ها به‌طور هم‌زمان رخ نمی‌داد. آنچه تغییر کرده، حال جامعه است؛ جامعه‌ای که در شرایط بی‌ثبات، تفریح و مصرف فرهنگی را به تعویق می‌اندازد.

از سوی دیگر، این آمار یک تصور رایج را نیز به چالش می‌کشد؛ اینکه افزایش سالن‌های سینما یا مهندسی اکران، به‌تنهایی می‌تواند ضامن رشد مخاطب باشد. در سال‌های گذشته، هم‌زمان با ثبت رکوردهای فروش، برخی پیش‌بینی می‌کردند تعداد مخاطبان سینما در سال ۱٤۰٤ حتی از رکورد تاریخی سال ۱۳۷٦ عبور کرده و به ٤۰ میلیون نفر برسد. اما رخدادهای سیاسی و نظامی نشان دادند که زیرساخت، هرچقدر هم توسعه پیدا کند، بدون احساس امنیت و ثبات اجتماعی نمی‌تواند مخاطب تولید کند. شاید مهم‌ترین درس این آمارها همین باشد؛ اقتصاد فرهنگ بیش از هر صنعت دیگری به امنیت روانی وابسته است. مردم زمانی بلیت سینما می‌خرند که بتوانند برای چند ساعت آینده خود برنامه‌ریزی کنند، نه زمانی که اخبار جنگ، احتمال درگیری یا آینده نامعلوم، ذهنشان را اشغال کرده باشد.

به همین دلیل، عبور امروز چند فیلم از مرز ۵۰ میلیارد تومان، هرچند نشانه‌ای امیدوارکننده برای گیشه است، اما هنوز به معنای بازگشت سینمای ایران به وضعیت عادی نیست. آنچه سینما بیش از هر چیز به آن نیاز دارد، نه فقط فیلم‌های پرفروش یا سالن‌های بیشتر، بلکه بازگشت آرامش و اطمینان به زندگی روزمره مردم است؛ زیرا تجربه دو سال اخیر نشان داده است که هرگاه امنیت روانی جامعه آسیب دیده، نخستین جایی که چراغ‌هایش کم‌نور شده، سالن‌های سینما بوده‌اند.

# ماجرای بازیگری که وجود خارجی ندارد

وقتی خبر حضور «تیلی نوروود» به عنوان بازیگر، نه یک انسان واقعی بلکه محصول هوش مصنوعی منتشر شد، واکنش‌ها در هالیوود خیلی زود به جنجال تبدیل شد؛ بازیگران، فیلمسازان و فعالان صنعت سرگرمی درباره آینده شغل‌های انسانی و



مرزهای خلاقیت هشدار دادند. با این حال، موج انتقادها نتوانست مانع ادامه مسیر تیلی نوروود شود؛ او حالا قرار است در فیلم بلند «میس‌الاینِد» نقش اصلی را بازی کند؛ پروژه‌ای که هنوز در مرحله توسعه قرار دارد، اما یک گام مهم در ورود شخصیت‌های مصنوعی به سینمای بلند محسوب می‌شود.

به گزارش خبرآنلاین، ماجرا از اینجا به پرسشی بزرگ‌تر می‌رسد: اگر فناوری بتواند چهره، صدا، حرکات و واکنش‌های یک بازیگر را به شکلی باورپذیر بازسازی کند، آیا در نهایت می‌تواند خودِ بازیگر را هم کنار بزند؟ تیلی نوروود شاید هنوز فاصله زیادی با ستاره‌های انسانی سینما داشته باشد، اما ورودش به سینمای بلند فرصتی است برای بررسی آینده‌ای که در آن «بازیگر» دیگر لزوماً یک انسان نیست؛ آینده‌ای که می‌تواند هم فرصت تازه‌ای برای سینما باشد و هم تهدیدی جدی برای حرفه‌ای که اساس آن تاکنون بر تجربه و حضور انسانی استوار بوده است.

این پرسش فعلاً یک فرضیه است؛ اما اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر برای تیلی نوروود افتاده، نشان می‌دهد این فرضیه دیگر آن‌قدرها هم دور از واقعیت نیست. «تیلی نوروود» محصول شرکت «پارتیکل ٦» است؛ یک شخصیت مصنوعی که در سال ۲۰۲۵ معرفی شد و خیلی زود به یکی از نمادهای بحث درباره ورود هوش مصنوعی به بازیگری تبدیل شد.

ددلاین در گزارشی که در ششم ژوئیه منتشر کرد، نوشت این فیلم نخستین حضور تیلی به عنوان شخصیت اصلی یک فیلم بلند خواهد بود. این رسانه تأکید کرد که پروژه هنوز در حال توسعه است و قرار است متخصصان سنتی سینما، از جمله کارگردانان، نویسندگان و تدوینگران، در کنار متخصصان هوش مصنوعی روی آن کار کنند. لس‌آنجلس‌تایمز نیز در گزارشی، «میس‌الاینِد» را یک کمدی ـ درام معرفی کرد که قرار است تیلی نوروود را در مرکز داستان قرار دهد. این روزنامه یادآوری کرد که تیلی پیش‌تر به دلیل تلاش برای ورود به صنعت سرگرمی با واکنش‌های تندی روبه‌رو شده بود. پس هنوز با یک فیلم ساخته‌شده مواجه نیستیم؛ با پروژه‌ای مواجهیم که در مرحله توسعه است و قرار است یک شخصیت مصنوعی را به عنوان بازیگر اصلی امتحان کند. همین تفاوت مهم است و نباید از آن به سادگی عبور کرد.

**داستان فیلم درباره چیست؟**

«میس‌الاینِد» در جهانی دیجیتال به نام «تیلی‌ورس» اتفاق می‌افتد؛ جهانی که در آن تیلی موجودی مصنوعی است که بدن واقعی، کودکی و تجربه زیسته شخصی ندارد، اما به تجربه‌های دیگران دسترسی دارد. در داستان، یک ربات سرکش از فضای تاریک اینترنت تیلی را متقاعد می‌کند محدودیت‌هایش را کنار بگذارد و صاحب میل، جاه‌طلبی و خواسته‌های شخصی شود.

ددلاین در گزارشی در همین ماه نوشت که هرچه تیلی «انسانی‌تر» می‌شود، مشهورتر هم می‌شود و در نهایت با این مسئله روبه‌رو می‌شود که وجودش بر تجربه‌های انسان‌ها بنا شده است. این خلاصه داستان یک تناقض جالب دارد: قرار است یک شخصیت مصنوعی، داستان تبدیل‌شدن به موجودی انسانی را بازی کند. و شاید همین مسئله دلیل اصلی جذابیت و در عین حال جنجال پروژه باشد.

**اگر مخاطب تفاوت را نبیند چه؟**

فرض کنیم فناوری آن‌قدر پیشرفت کند که تماشاگر نتواند تفاوت میان بازیگر واقعی و شخصیت مصنوعی را تشخیص دهد. در این صورت، ماجرا از بحث هنری به مسئله‌ای اقتصادی تبدیل می‌شود. یک بازیگر انسانی هزینه تولید دارد، قرارداد دارد، ممکن است بیمار شود، ممکن است در دسترس نباشد و می‌تواند درباره شرایط کار مذاکره کند. یک شخصیت مصنوعی می‌تواند تحت مالکیت یک شرکت باقی بماند و بارها در پروژه‌های مختلف استفاده شود. این همان چیزی است که نگرانی‌ها را جدی می‌کند. چون اگر مخاطب تفاوت را نبیند، بازار ممکن است به این نتیجه برسد که تفاوتی هم وجود ندارد. اینجا باید جانب دیگر ماجرا را هم دید. سازندگان تیلی تأکید کرده‌اند که هدفشان حذف انسان‌ها نیست. پارتیکل ٦ گفته است که «میس‌الاینِد» با حضور متخصصان سنتی سینما در کنار متخصصان هوش مصنوعی ساخته خواهد شد. یعنی حتی خود سازندگان نیز فعلاً آینده را کاملاً بدون انسان تصور نمی‌کنند. ممکن است مدل واقعی آینده چنین باشد: بازیگر انسانی، چهره و اجرای خود را در اختیار یک سامانه هوش مصنوعی قرار دهد؛ کارگردان آن را هدایت کند؛ ...

ادامه در همین صفحه

کوتاه داخلی

## مهران مدیری دوباره مسعود شصت‌چی می‌شود

PDF Compressor Free Version

مهران مدیری که با سریال «مرد سه هزارچهره» به تلویزیون بازگشته است، بار دیگر نقش مسعود



شصتچی را که شخصیت اصلی سریال است، ایفا می‌کند. به تازگی تصویری از گریم جدید این شخصیت منتشر شده است. به گزارش ایسنا، مهران مدیری، کارگردان و بازیگر تلویزیون که پیش‌تر مجموعه‌های «پاورچین»، «شب‌های برره»، «باغ مظفر»، «مرد هزارچهره» و «مرد دو هزارچهره» را ساخته است، این بار با سریال «مرد سه هزارچهره» راهی تلویزیون می‌شود.

این مجموعه طنز که توسط مرکز سیمافیلم سفارش داده شده، با تهیه‌کنندگی جواد فرحانی تولید می‌شود و مهران مدیری در آن نقش خاطره‌انگیز مسعود شصتچی را دوباره بازی می‌کند.

داستان سریال درباره‌ی مسعود شصتچی است که می‌کوشد با استخدام در یک اداره، کمک‌خرج پدرش باشد اما مانند همیشه، ماجراهای غیرمنتظره و اتفاقاتی طنزآمیز او را وارد مسیرهای تازه‌ای می‌کند. به گفته عوامل تولید، «مرد سه هزارچهره» در راستای سیاست مرکز سیمافیلم برای احیای مجموعه‌های موفق و خاطره‌انگیز تلویزیون ساخته شده و تلاش دارد با بازگرداندن یکی از شخصیت‌های محبوب طنز، مخاطبان را مجدداً با این قالب همراه کند.

## بچه‌ها به استقبال نبرد با خرچنگ رفتند

انیمیشن «نبرد با خرچنگ» ۹ مرداد با حضور عوامل و دوبلورهای پروژه و همچنین با اجرای گلی باقلوازاده افتتاح شد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی پروژه، اکران افتتاحیه انیمیشن سینمایی «نبرد با خرچنگ» به نویسندگی و کارگردانی




مازیار محمدی‌نژاد عصر روز جمعه ۹ مرداد با حضور عوامل، مهوش افشاری سرپرست دوبله، ابراهیم شفیعی و شهراد بانکی دوبلورهای پروژه و همچنین با اجرای گلی باقلوازاده در جمع بچه‌ها و خانواده‌هایشان در سینما مهر شاهد تهران برگزار شد.

مازیار محمدی‌نژاد پیش از نمایش فیلم روی سن آمد و بیان کرد: من و همکارانم به عشق بچه‌ها این اثر را ساختیم و قصدمان این بود شادی را به بچه‌ها بازگردانیم و به آنها حس خوب بدهیم. وی اظهار کرد: همه بچه‌ها از جمله پسرم برای ساخت این اثر به من انگیزه دادند و باعث شدند من قصه‌ای را بنویسم و آن را تبدیل به انیمیشن سینمایی کنم. از خانواده خودم و تمام عوامل خوب این کار که یک لیست بلندبالایی را شامل می‌شوند، قدردانی می‌کنم. «نبرد با خرچنگ» مخاطب را به سفری پرهیجان فرامی‌خواند؛ سفر در مسیری که عبور از بیابان ناامیدی و جزیره شادی را در آن تجربه می‌کنید. این اثر که به باشگاه میلیاردی‌ها پیوسته و نزدیک به ۱۰ هزار مخاطب جذب کرده، محصول زاگرس فیلم و سرمایه‌گذاری گروه صنعتی عالیفرد (سن‌ایچ) است که توسط پخش موسسه بهمن سبز در سینماهای سراسر کشور در حال اکران است.

## فاجعه به روسیه رسید
## زوج ایرانی نامزد جایزه بزرگ ولادیمیر منشوف

فیلم مستند «فاجعه» به کارگردانی مشترک سعید نبی و مریم خدیوی، در اولین حضور بین المللی خود به بخش مسابقه بیست و یکمین جشنواره بین المللی فیلم مستند روسیه راه یافت. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی فیلم، بیست و یکمین جشنواره بین المللی فیلم «Won Together» از ۱٤ تا ۲٤ سپتامبر ۲۰۲٦ مصادف با ۲۳ شهریور تا دوم مهر در سینماهای شهرهای مسکو و سوچی، فیلم های منتخب را اکران می کند. فیلم مستند «فاجعه»



به کارگردانی مشترک سعید نبی و مریم خدیوی، در اولین حضور بین المللی خود به بخش مسابقه بیست و یکمین جشنواره بین المللی فیلم مستند «Won Together» روسیه راه یافت و برای کسب جایزه بزرگ ولادیمیر منشوف کارگردان مشهور و مطرح روسی، مهم ترین جایزه این رویداد سینمایی، رقابت خواهد کرد.

این فستیوال بزرگ سینمایی مهم ترین رویداد سینمای مستند روسیه به شمار می رود و هر سال فیلمسازانی از کشورهای مختلف جهان را با آثاری در حوزه صلح، انسان‌گرایی، همزیستی، گفتگوی فرهنگی، غلبه بر بحران‌ها و امید به آینده گرد هم می آورد. این جشنواره در بخش های حافظه، بازتاب و بین الملل برگزار می شود. مهم‌ترین نشان این رویداد نیز جایزه بزرگ ولادیمیر منشوف است که با رای مشترک رؤسای هیئت داوران بخش های مختلف جشنواره به برترین اثر تعلق می‌گیرد.

مستند «فاجعه» روایتی از وضعیت امروز تالاب شادگان و پیامدهای آن بر زندگی مردم حاشیه این زیست بوم است. این فیلم با نگاهی انسانی، زندگی صیادان، دامداران گاومیش و خانواده هایی را روایت می کند که در نتیجه آلودگی های صنعتی، تغییر مسیر آب، کاهش منابع آبی و گسترش گونه مهاجم تیلاپیا، معیشت و سبک زندگی شان در معرض آسیب قرار گرفته است. در کنار این روایت، فیلم زندگی کودکی را دنبال می‌کند که با ساختن گاومیش های گلی از خاک تالاب، تلاش می کند امید، سنت های بومی و میراث فرهنگی سرزمین خود را زنده نگه دارد. تهیه‌کنندگی این اثر را سعید نبی بر عهده داشته و سعید نبی و مریم خدیوی کارگردانی آن را انجام داده‌اند. آرش زاهدی‌اصل تدوین، مهران فردپور فیلمبرداری، حبیب‌الله محمدی صدابرداری، بهروز شهامت طراحی و میکس صدا و مریم خدیوی بروجنی نگارش و پژوهش فیلم را بر عهده داشته‌اند.

ادامه از همین صفحه....

هوش مصنوعی بخشی از فرایند را انجام دهد؛ و در نهایت بازیگر بابت استفاده از هویت دیجیتال خود دستمزد و حق مالکیت دریافت کند. در چنین مدلی، هوش مصنوعی الزاماً رقیب بازیگر نیست؛ می‌تواند ابزار تازه‌ای برای بازیگر باشد. اما شرط آن روشن است: انسان باید مالک بخشی از این فرایند باقی بماند.

**آیا تماشاگر حاضر است یک ماشین را دوست داشته باشد؟**

شاید در نهایت پاسخ همه این پرسش‌ها را نه اتحادیه‌ها بدهند و نه استودیوها. پاسخ را مخاطب خواهد داد. اگر تماشاگر حاضر نباشد برای دیدن یک شخصیت مصنوعی پول بدهد، پروژه‌هایی مانند «میس‌الاینِد» احتمالاً محدود باقی خواهند ماند. اما اگر مخاطب با تیلی ارتباط برقرار کند، او را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کند، به موسیقی‌اش گوش دهد و برای دیدن فیلمش به سینما برود، اتفاق مهمی رخ خواهد داد. آن وقت شرکت‌های سرگرمی متوجه می‌شوند که شاید مخاطب الزاماً به انسان واقعی پشت چهره یک ستاره نیاز ندارد. او فقط به یک شخصیت جذاب و باورپذیر نیاز دارد. و اگر این اتفاق بیفتد، تعریف «ستاره» تغییر خواهد کرد.

**آیا تیلی نوروود پایان بازیگران انسانی است؟**

هنوز بسیار زود است که چنین نتیجه‌ای بگیریم. «میس‌الاینِد» هنوز در مرحله توسعه است و تاریخ اکران ندارد. خود نورث‌ایسترن نیز در گزارش ۲۲ ژوئیه تأکید کرده که پروژه هنوز در حال شکل‌گیری است. بنابراین تیلی نوروود هنوز یک ستاره سینمایی موفق نیست. حتی ممکن است «میس‌الاینِد» هرگز به فیلم موفقی تبدیل نشود. اما اهمیت تیلی در جای دیگری است. او یک پرسش را از آینده به امروز آورده است: اگر هوش مصنوعی بتواند به اندازه کافی خوب بازی کند، آیا مخاطب همچنان به انسان بودن بازیگر اهمیت خواهد داد؟ اگر پاسخ مثبت باشد، بازیگران انسانی همچنان جایگاه خود را حفظ خواهند کرد. اگر پاسخ منفی باشد، صنعت سینما ممکن است با یکی از بزرگ‌ترین تغییرات تاریخ خود روبه‌رو شود. در آن صورت، شاید دیگر لازم نباشد یک ستاره را کشف کنیم. می‌توانیم او را طراحی کنیم. می‌توانیم چهره‌اش را بسازیم، شخصیتش را تعریف کنیم، گذشته‌ای برایش بنویسیم، برایش جهان داستانی خلق کنیم و در نهایت او را به مخاطب عرضه کنیم. تیلی نوروود هنوز پایان عصر بازیگران انسانی نیست. اما شاید اولین هشدار جدی باشد که سینما باید برای روزی آماده شود که این سؤال دیگر فرضیه نباشد: اگر هوش مصنوعی بتواند مثل یک انسان بازی کند، آیا هنوز به یک انسان برای بازیگری نیاز داریم؟